

## جمهوری اسلامی ایران و آسیای مرکزی؛ ظرفیت‌های همکاری و همگرایی منطقه‌ای

### شعبه بهمن<sup>۱</sup>

اگر با نگاهی عمیق و صحیح به آسیای مرکزی نگریسته شود، منطقه‌ای با استعدادها و ظرفیت‌های فراوان و دست‌نخورده هویدا می‌گردد که توجه تمام قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را به خود جلب کرده است. در این بین ایران دارای پیوندهای عمیق و مشترکات فراوانی با آسیای مرکزی است. به‌رغم تمایل و انگیزه‌هایی که هم در ایران و هم در کشورهای منطقه وجود دارد و همچنین ضمن در نظر گرفتن پیشرفت‌هایی که در روابط دو و چندجانبه وجود داشته است با این حال هنوز دو طرف موفق به استفاده از ظرفیت‌های منطقه‌ای برای همکاری و همگرایی نشده‌اند. این در حالی است که مباحثی در منطقه وجود دارند که همکاری و همگرایی گسترده‌ی ایران را می‌طلبند. مباحثی همچون انرژی و انتقال آن، ترانزیت کالا، نیازهای متقابل اقتصادی، تندروری اسلامی، قاچاق و فروش مواد مخدر، بحران‌های هویتی و فرهنگی و ... از جمله مسائل عمده برای کشورهای منطقه است که ضرورت‌های همکاری و همگرایی بیشتر جمهوری اسلامی ایران را آشکار می‌سازد.

**واژگان کلیدی:** آسیای مرکزی، ژئوپلیتیک‌گرایی، ژئواکونومیک‌گرایی و ژئوکالچر‌گرایی.

### مقدمه

---

<sup>1</sup>. کارشناس مسائل اوراسیا و پژوهشگر ارشد موسسه مطالعات ایران و اوراسیا(ایراس)

آسیای مرکزی متشکل از پنج کشور قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ترکمنستان و ازبکستان در میان فضای اقلیمی پهناور اوراسیا واقع شده و نزدیک به 60 میلیون نفر را در خود جای داده است. اگر چه در نگاه نخست، آسیای مرکزی منطقه‌ای از نظر جغرافیایی محصور در خشکی به نظر می‌آید که کشورهای منطقه را به همسایگان و جامعه جهانی وابسته کرده است، اما واقعیت امر آن است که این منطقه تحت لوای تاریخ طولانی خود یکی از مهمترین مناطق جهان شناخته می‌شود که علاوه بر آنکه میراث‌دار اقتصاد بزرگ جاده ابریشم و پل ارتباطی میان اروپا و آسیای شرقی و میان شمال و جنوب قاره آسیا به شمار می‌آید، امروزه به سبب کشف منابع غنی انرژی نیز به عنوان منطقه‌ای مهم محسوب می‌شود.

از سوی دیگر ایران دارای پیوندهای عمیق و مشترکات فراوانی با آسیای مرکزی است. در این بین به‌رغم تمایل و انگیزه‌هایی که هم در ایران و هم در کشورهای منطقه وجود دارد و همچنین ضمن در نظر گرفتن پیشرفت‌هایی که در روابط دو و چندجانبه وجود داشته است با این حال هنوز دو طرف موفق به استفاده از ظرفیت‌های منطقه‌ای برای همکاری و همگرایی نشده‌اند. از این رو بحث حاضر درصدد پاسخگویی به این سوال است که «جمهوری اسلامی ایران چگونه می‌تواند از ظرفیت‌های منطقه‌ای برای همکاری و همگرایی با کشورهای آسیای مرکزی استفاده نماید؟»

در پاسخ به این سوال، فرض اصلی بحث بر این مبنا استوار شده که «جمهوری اسلامی ایران با پی‌گیری سیاستی مبتنی بر ژئوپلیتیک‌گرایی، ژئواکونومیک‌گرایی و ژئوکالچرگرایی می‌تواند از ظرفیت‌های منطقه‌ای برای همکاری و همگرایی با کشورهای آسیای مرکزی استفاده نماید.»

بر این اساس در بحث حاضر نخست به وضعیت منطقه آسیای مرکزی نگاهی خواهیم داشت و سپس ظرفیت‌های موجود در منطقه آسیای مرکزی را مورد بررسی قرار خواهیم داد. در ادامه به جایگاه آسیای مرکزی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران خواهیم پرداخت و ظرفیت‌های همگرایی منطقه‌ای میان ایران و آسیای مرکزی را مورد بررسی قرار خواهیم داد. در پایان نیز بحث را با نتیجه‌گیری خاتمه خواهیم داد.

**نگاهی به وضعیت منطقه آسیای مرکزی**

آسیای مرکزی، منطقه‌ای واقع در مرکز آسیا است که از غرب به دریای خزر از شرق به چین از شمال به خط تقسیم آب‌های حوضه رودهای اورال - ایرتیش و دشت‌های جنوبی روسیه و از جنوب به ایران و افغانستان محدود می‌باشد. این منطقه که مهد تمدن‌های بزرگ بشری و پل ارتباطی میان اروپا و آسیا بوده، همواره مطمع نظر قدرت‌های بزرگ و همسایگان خود بوده است. شاید در نگاه نخست و سطحی بتوان ویژگی بارز آسیای مرکزی را محصور بودن در خشکی بر شمرد و از این ویژگی به نتیجه‌ای همچون بی‌ارزش بودن این منطقه رسید، اما اگر با نگاهی عمیق و صحیح به آسیای مرکزی نگریسته شود، منطقه‌ای با استعدادها و ظرفیت‌های فراوان و دست نخورده هویدا می‌گردد که توجه تمام قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را به خود جلب کرده است.

در سال 1776، «آدام اسمیت» درباره اقتصاد کمتر توسعه یافته بخشی از کشورهای آفریقایی و آسیایی که در خشکی محصور هستند، مطالعاتی انجام داد. 226 سال بعد، گزارش توسعه انسانی سازمان ملل در سال 2002، تصویری درباره کشورهای محصور در خشکی منتشر کرد که در آن 9 کشور از 12 کشوری که در خشکی محصور بودند از پایین‌ترین سطح توسعه انسانی برخوردار بودند. همچنین سیزده کشور نیز در سطح پایین توسعه قرار داشتند. در این بین نکته جالب توجه این بود که هیچ یک از کشورهای اروپایی که در خشکی محصور هستند در میان کشورهای توسعه نیافته مشاهده نمی‌شدند. درباره اینکه چرا کشورهای محصور در خشکی با توسعه کمتری مواجه هستند، اسمیت ادعا می‌کرد که سختی تجارت و دور افتادگی جغرافیایی موجب عدم ایجاد تخصص و شکل‌گیری نوعی وابستگی می‌شود. (Faye, 2004:1-2) اما آیا به واقع چنین سرنوشتی برای تمام کشورهای محصور در خشکی قابل تصور است؟ آیا این کشورها فقط به واسطه اینکه به دریای آزاد راه ندارند، باید تا ابد توسعه نیافته بمانند؟ مسلماً پاسخ این سوال منفی است. زیرا کشورهای محصور در خشکی می‌توانند از سایر مزیت‌های اقتصادی خود بهره‌گیرند و در عوض از مسیر کشورهای همسایه خود برای نقل و انتقال کالا و خدمات بهره‌جویند.

وضع آسیای مرکزی نیز به همین شکل است. یعنی به‌رغم آنکه کشورهای منطقه در خشکی محصور هستند، با این حال می‌توانند از طریق کشورهای همسایه خود به دریاهای آزاد دسترسی پیدا کنند. چنین امری در تاریخ کهن منطقه آسیای مرکزی بی‌سابقه نیست.

چنانکه پیش از این «جاده ابریشم»<sup>1</sup> به عنوان یکی از مهمترین راه‌های تجاری جهان از منطقه گذر می‌کرده است.

به طور کلی راه‌های زیادی برای تجارت از منطقه آسیای مرکزی به سمت خارج وجود داشته است که مشهورترین آنها «جاده ابریشم» می‌باشد. جاده ابریشم حدود 15 هزار کیلومتر بود و جیان در چین را به امپراطوری روم در اروپا متصل می‌کرد. از این مسیر کالا و اجناسی نظیر طلا، نقره، فرش، شیشه، جواهر، آلومینیوم، کاغذ، انواع چاشنی‌های خوراکی و... انتقال داده می‌شد. علاوه بر تجارت و امور بازرگانی، جاده ابریشم یک بزرگراه به منظور مبادله فرهنگ، هنر، مذهب و علوم نیز محسوب می‌گردید. (Otsuka, 2001: 42)

در دوران اتحاد جماهیر شوروی نیز خطوط راه آهن و راه‌های مواصلاتی زیادی ایجاد شد که البته اکثر قریب به اتفاق آنها به سمت روسیه ختم می‌گردید. پس از فروپاشی شوروی نیز تلاش‌های مختلفی جهت اتصال راه‌های مواصلاتی منطقه به کشورهای همسایه صورت گرفت که مهمترین آنها گسترش خطوط راه آهن ترکمنستان به سمت جنوب در سال 1996 بود که در نهایت به شبکه ریلی جمهوری اسلامی ایران متصل شد.

بنابراین صرف این نکته که کشورهای آسیای مرکزی در خشکی محصور هستند، نمی‌تواند دلیل مناسبی برای توسعه نیافتگی منطقه باشد. از سوی دیگر اگر منطقه دارای ظرفیت‌های فراوان نبود، هیچ‌گاه به شدت زیاد مورد توجه قدرت‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای قرار نمی‌گرفت. چنانکه آسیای مرکزی همواره در طول تاریخ، محل نزاع و برخورد قدرت‌های بزرگ بوده است. رواج اصطلاحاتی نظیر «بازی بزرگ»<sup>2</sup> به روشنی بیانگر چنین امری است.

به طور کلی در اواخر قرن نوزده و اوایل قرن بیستم میلادی، اسلوب ژئوپلیتیک روش عمده تحلیل موضوعات روابط بین‌الملل تلقی می‌شد و به همین سبب نیز همواره به منطقه آسیای مرکزی با دید ژئوپلیتیک نگریسته می‌شد. چنانکه آسیای مرکزی در اغلب طرح‌ها و ایده‌های ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک نظیر «قلب زمین»<sup>3</sup>، «حومه ناحیه مرکزی»<sup>4</sup> و ... جای می‌گرفت. این روند که تا مدت‌ها ادامه داشت، طی دوره جنگ سرد تحت‌الشعاع نبرد

<sup>1</sup> . Silk Road

<sup>2</sup> . Great Game

<sup>3</sup> . Heart Land

<sup>4</sup> . Rimland

ایدئولوژیک میان مارکسیسم و سوسیالیسم شرقی با کاپتالیسم و لیبرالیسم غربی قرار گرفت. با این حال فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و افول رقابت ایدئولوژیک، یک‌بار دیگر تحلیل ژئوپلیتیک را به همراه ویژگی‌های ژئواکونومیک از اهمیت خاصی برخوردار کرده است.

بر این اساس منطقه آسیای مرکزی نیز عموماً از اهمیت خاصی در تحلیل‌های ژئوپلیتیک برخوردار شده است. به نحوی که در سال‌های پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی به موازات گشایش سریع سفارت خانه‌های خارجی در مراکز جمهوری‌های تازه استقلال یافته و ایجاد روابط سیاسی میان آنها با سایر کشورها، ویژگی‌های ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی منطقه به سرعت نمایان شد. در این راستا از یک سو بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای خواهان حضور و نفوذ نظامی و امنیتی در منطقه شدند و از سوی دیگر شرکت‌های بزرگ نفتی فعالیت‌های گسترده‌ای را در کشورهای آسیای مرکزی آغاز نمودند. عقد قراردادهای بزرگ در زمینه استخراج نفت و گاز این منطقه و سرمایه‌گذاری‌های عظیم در این زمینه و سپس مذاکرات و رقابت‌های جدی بر سر تعیین مسیر انتقال انرژی از این منطقه از یک بازی بزرگ با ابعاد مختلف بر سر منابع انرژی آسیای مرکزی و دریای خزر با حضور بازیگران منطقه‌ای و جهانی حکایت داشت. همچنین مسابقه بر سر منابع انرژی این منطقه و چگونگی انتقال آن به دنیای خارج چندان شدت گرفت که نگاه تحلیلگران مسائل منطقه را متوجه بررسی علل واقعی تلاش‌های گسترده سیاسی و سرمایه‌گذاری‌های عظیم اقتصادی در این منطقه کرد. (سنایی، 1383: 157-158)

از این رو پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، یک بار دیگر اصطلاح «بازی بزرگ جدید» توسط تحلیلگران و کارشناسان مسائل منطقه به منظور تشریح رقابت قدرت‌های بزرگ برای حضور در آسیای مرکزی و پر نمودن خلاء ناشی از فروپاشی شوروی، احیا شد. (Rasizade, 2002:48) همچنین برخی همانند «زبینگو برژینسکی»، منطقه آسیای مرکزی را «صفحه شطرنج بزرگ»<sup>1</sup> نام نهادند. (Brzezinski, 1997: 30-50)

در مجموع به نظر می‌رسد رقابت قدرت‌های بزرگ برای دستیابی به منابع آسیای مرکزی ضمن تعقیب هدف تامین نیازهای آنان به انرژی بیشتر در چارچوب نگاه ژئوپلیتیک به مسائل جهانی قابل تحلیل است. زیرا در تحلیل ژئوپلیتیک کلاسیک، تسلط بر مهمترین منابع طبیعی و انرژی و نواحی قدرت، تسلط بر دنیا تلقی می‌شود. در نتیجه، مسابقه

<sup>1</sup> . Grand Chess Board

قدرت‌های بزرگ برای تسلط به منابع نفت و گاز دریای خزر و آسیای مرکزی، ضمن تلاش برای تامین منافع اقتصادی به گونه‌ای در چارچوب تلاش برای تفوق بر حوزه‌های استراتژیک قابل تحلیل است.

بنابراین باید توجه داشت که اهمیت منطقه آسیای مرکزی تنها به ابعاد اقتصادی و منابع غنی انرژی و معدنی محدود نمی‌گردد، بلکه مسائل امنیتی نیز به نوبه خود بر اهمیت منطقه افزوده است. بر این اساس روندها و رویدادهای سال‌های پس از استقلال نشان داده که عملاً صلح و امنیت در آسیای مرکزی تا حد زیادی وامدار همگرایی منطقه‌ای، اجتناب از اتکا به قدرت‌های فرامنطقه‌ای و پیروی از همکاری منطقه‌ای بوده است. از این رو برخی همانند «روی آلیسون» و «لناجانسون»، با نگاهی چند بعدی و جامع به منطقه، درصد یافتن راه حلی برای کمک به مسائل پیچیده امنیتی برآمده‌اند. به عقیده آنها باید نظام امنیتی منطقه را با حضور کشورهای تاجیکستان، قرقیزستان، ازبکستان، ترکمنستان و افغانستان تدوین کرد. زیرا مجاورت آنها به یکدیگر و همچنین تأثیرپذیری آنها از نیروهای خارجی تقریباً به یک شکل است. (Allison and Jonson, 2001:219-246)

به هر روی منطقه آسیای مرکزی که در زمان جنگ سرد بنا بر ملاحظات ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی دو ابرقدرت، اهمیت رقابتی خود را از دست داده بود با پایان گرفتن نظام دو قطبی مجدداً به عنوان کانون و مرکز توجه قدرت‌های جهانی مطرح شد زیرا که این منطقه می‌تواند نقش بزرگی را در معادلات اوراسیا ایفا نماید؛ چرا که قرار گرفتن در میان سه کشور چین، هند و روسیه می‌تواند پویایی خاصی به مناسبات اقتصادی این کشورها ببخشد و از لحاظ امنیتی نیز تأثیر به‌سزایی بر جای بگذارد. به نحوی که هم‌اکنون کشورهای حاضر در این منطقه نقش بسیار مهمی در صحنه‌های بین‌المللی ایفا می‌نمایند و منطقه آسیای مرکزی در عرصه منافع سیاسی و راهبردی کشورهای اروپای غربی، روسیه، چین، هند، ایالات متحده آمریکا، ترکیه و ایران قرار دارد.

### ظرفیت‌های موجود در منطقه آسیای مرکزی

تحولات آسیای مرکزی بسیاری از ویژگی‌های «تعارض مدرن» را در بر می‌گیرد. نزاع برای کسب قدرت، اختلاف در خصوص تقسیم دوباره قدرت و دستیابی به منابع، دیدگاه‌های متعارض، بنیادگرایی اسلامی، درگیری‌های منطقه‌ای، مسائل مرتبط با اقلیت‌های قومی و

مرزهای بین کشورها، فجایع زیست محیطی و مداخله بازیگران فرامرزی و منطقه‌ای، نمونه‌هایی از این ویژگی‌ها هستند. (Linke and Naumkin, 2009: 4) از سوی دیگر در حال حاضر منطقه در مسیر رشد خود به مرزهای حساسی نزدیک شده است؛ زیرا ظرفیت طبیعی بومی نمی‌تواند به روش‌های توسعه اقتصادی موجود و به نظام‌های حمایتی زندگی کمک کند. در چنین وضعیتی کشمکش‌های داخلی و خارجی در آسیای مرکزی به نوعی نزاع برای دستیابی به منابع تبدیل شده است. این کشمکش‌ها بر پایه مسائل اقتصادی-اجتماعی و محیطی مرتبط استوار هستند و ریشه‌های مشابهی دارند که مناطق کوهستانی توسعه نیافته، شهرها و دره‌های پرجمعیت، فقر، مهاجرت‌های اجباری، کشاورزی تک محصولی، صنایع وابسته به مواد خام، تولیدات صنعتی مضر برای اکوسیستم‌های بومی، رشد سریع جمعیت، منابع نایاب آب، زمین، غذا و انرژی از جمله این موارد هستند. (Ibid: 34)

در این بین به رغم وجود چالش‌های فوق با این حال هنگامی که کشورهای منطقه را در یک مجموعه و در کنار هم قرار دهیم، مجموعه‌ای گران‌بها از سرزمین‌های ثروتمند با منابع دست نخورده به چشم می‌آید که هیچ قدرت منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای توان چشم‌پوشی از آن را ندارد. از منظر جغرافیای اقتصادی نیز این منطقه به سبب اهمیت روز افزون عوامل اقتصادی در روابط بین الملل و صنایع غنی انرژی، فلزات و بنیاد کنونی صنعتی و کشاورزی و مسائل تکنولوژیک با اهمیت فرض می‌گردد.

همچنین هر یک از کشورهای آسیای مرکزی نیز به تنهایی دارای موقعیت منحصر به فردی می‌باشند. به عنوان نمونه قزاقستان به علت داشتن وسعت زیاد سرزمین، دارا بودن مرزهای طولانی با دو قدرت بزرگ منطقه یعنی روسیه و چین و داشتن بیش از 2320 کیلومتر ساحل در بخش شرقی و شمالی دریای خزر و همچنین وجود منابع سرشار زیر زمینی، خصوصاً نفت و گاز، ممتازترین موقعیت را در بین کشورهای منطقه دارد. این کشور با داشتن چند نیروگاه اتمی که در امور صلح جویانه از آنها استفاده می‌شود و نیز با در اختیار داشتن چند پایگاه فضایی از قبیل «بایکونور» و داشتن ذخایر عظیم اورانیوم می‌تواند به عنوان یک قدرت هسته‌ای در منطقه مطرح باشد. یک سوم زمین‌های حاصل خیز شوروی سابق با محوریت تولید گندم در قزاقستان قرار داشته است. همچنین انتظار می‌رود تولید گاز طبیعی این کشور تا سال 2015 به 1/84 تریلیون فوت مکعب برسد. (شیرازی و مجیدی، 1382: 18-22)

جدول زیر بیانگر شاخص‌های کلان اقتصاد قزاقستان است.

شاخص‌های کلان اقتصاد قزاقستان (بر حسب درصد نسبت به سال قبل)

1995	1996	1997	1998	1999	2000	2001	2002	2003	2004	2005	2006	2007	2008	2009	
91.8	100.5	101.7	98.1	102.7	109.8	113.5	109.8	109.3	109.6	109.7	110.7	108.9	103.3	101.2	تولید ناخالص داخلی
92	100.3	104	98	103	116	114	110	109	110	105	107	105	102	102.7	تولیدات صنعتی
76	95	99.2	81	128	96	117	103	101	99.5	107	106	109	94	113.9	تولیدات کشاورزی
57	60	112	142	133	149	145	111	117	123	134	111	114	115	102.9	سرمایه‌گذاری ثابت
154	110	94	71	72	155	113	83	136	137	99.3	137	143	139	61	صادرات به کشورهای عضو جامعه مشترک‌المنافع
174	115	129	92	135	148	93	125	133	161	149	137	122	151	61	صادرات به سایر کشورها
122	111	79	88	78	170	121	92	129	156	133	136	132	120	69	واردات از کشورهای عضو جامعه مشترک‌المنافع
83	112	152	115	91	113	136	113	126	149	138	137	144	112	80	واردات از سایر کشورها

(Main Macroeconomic Indicators of Kazakhstan, 2010, Interstate Statistical Committee of the CIS(www.cisstat.com))

ازبکستان نیز از دو ویژگی جغرافیایی برخوردار است که به آن جنبه‌های راهبردی می‌دهد. نخست آنکه ازبکستان در قلب آسیای مرکزی بین رودهای سیردریا (سیحون) و آمودریا (جیحون) واقع شده است و دوم آنکه با تمام جمهوری‌های آسیای مرکزی مرز مشترک دارد. همین موقعیت مرکزی و جمعیتی موجب گردیده است تا امروزه این جمهوری نقطه ارتباط مناسبی برای تمامی آسیای مرکزی به شمار رود؛ به ویژه آنکه بخش بیشتر مرزهای این کشور از جلگه‌ها می‌گذرد که به توسعه حمل و نقل و روابط اقتصادی با کشورهای دیگر مساعدت می‌نماید. در این خصوص گفتنی است که ازبکستان به دلیل همین موقعیت



ژئواستراتژیک بر سر چهار راه مهاجرت مردمان و تقابل تمدن‌ها قرار داشته است به گونه‌ای که قومیت‌های مختلفی همچون ایرانی‌ها، مغول‌ها، ترک‌ها، عرب‌ها و مردمان منطقه قفقاز به گوناگونی و تنوع جامعه و فرهنگ در منطقه کمک کرده‌اند. (خیری، 1385: 191) اگرچه ازبکستان به آب‌های آزاد راه ندارد و این مسئله مانع اهداف توسعه‌ای در این کشور شده است، اما در عین حال دارای منابع غنی گاز، نفت، ذغال سنگ و به ویژه منابع طلا با خلوص 99/99 درصد است (شرافت، 1383: 88) که این امر نیز بر اهمیت آن افزوده است. همچنین ازبک‌ها با فرهنگ اسلامی پیوندهای دیرینه دارند و در واقع هویت خود را از اسلام گرفته‌اند. (کتاب سبز «ازبکستان»، 1387: 25)

جدول زیر بیانگر شاخص‌های کلان اقتصاد ازبکستان است.

شاخص‌های کلان اقتصاد ازبکستان (بر حسب درصد نسبت به سال قبل)

1995	1996	1997	1998	1999	2000	2001	2002	2003	2004	2005	2006	2007	2008	2009	
99.1	101.7	105.2	104.3	104.3	103.8	104.2	104.0	104.4	107.7	107.0	107.3	109.5	109	108.1	تولید ناخالص داخلی
100.1	103	104	104	106	106	108	109	106	109	107	111	112	113	109	تولیدات صنعتی
102	94	106	104	106	103	105	106	106	110	106	107	106	105	105.7	تولیدات کشاورزی
104	107	117	115	102	101	104	104	105	105	107	109	123	134	124.8	سرمایه‌گذاری ثابت
70	80	150	59	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	صادرات به کشورهای عضو جامعه مشترک‌المنافع
177	194	81	90	...	...	..	...	...	...	...	...	...	...	...	صادرات به سایر کشورها
80	136	75	76	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	واردات از کشورهای عضو جامعه مشترک‌المنافع
136	196	95	74	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	واردات از سایر کشورها

(Main Macroeconomic Indicators of Uzbekistan, 2010, Interstate Statistical Committee of the CIS(www.cisstat.com))

ترکمنستان نیز به عنوان یکی دیگر از کشورهای آسیای مرکزی، دارای منابع عظیم نفت و گاز است. این کشور که چهارمین کشور تولیدکننده گاز طبیعی در جهان است و از اهمیت به سزایی برخوردار می‌باشد. به خصوص که ذخایر نفت این کشور در سال 2002، حدود 546 میلیون بشکه ثابت تخمین زده شده بود و ذخایر عظیم گاز آن حدود 101 تریلیون فوت مکعب می‌باشد. (شیرازی و مجیدی، 1382: 25-27)

افزایش صادرات گاز از سوی ترکمنستان و نیاز کشورهای جهان به آن از یک سو و قرار گرفتن ترکمنستان در مسیر جاده ابریشم و در ساحل دریای خزر از سوی دیگر به این کشور موقعیتی منحصر به فرد اعطا کرده است که قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را به سوی خود جلب می‌کند.

جدول زیر بیانگر شاخص‌های کلان اقتصاد ترکمنستان می‌باشد.

شاخص‌های کلان اقتصاد ترکمنستان (بر حسب درصد نسبت به سال قبل)

1995	1996	1997	1998	1999	2000	2001	2002	2003	2004	2005	2006	2007	2008	2009	
...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	110.5	106.1	تولید ناخالص داخلی
91	120	78	102	...	...	130	122	119	...	122	...	...	...	...	تولیدات صنعتی
101	87	121	124	...	...	...	...	119	...	120	...	...	...	...	تولیدات کشاورزی
...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	سرمایه‌گذاری ثابت
56	115	42	34	...	...	110	103	112	...	...	...	...	...	...	صادرات به کشورهای عضو جامعه مشترک‌المنافع
192	64	49	147	...	...	98	117	144	...	...	...	...	...	...	صادرات به سایر کشورها
109	75	116	73	...	...	127	88	163	...	...	...	...	...	...	واردات از کشورهای عضو جامعه مشترک‌المنافع

جمهوری اسلامی ایران و آسیای مرکزی؛ ظرفیت‌های همکاری و همگرایی منطقه‌ای / 27

79	73	118	99.8	...	...	135	92	94	...	...	...	...	...	...	واردات از سایر کشورها
----	----	-----	------	-----	-----	-----	----	----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----------------------

(Main Macroeconomic Indicators of Turkmenistan, 2010, Interstate Statistical Committee of the CIS(www.cisstat.com)

قرقیزستان نیز که به طور قابل ملاحظه‌ای از تاریخ سیاسی و فرهنگی چین تاثیر پذیرفته است و از اهمیت والایی برای قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای برخوردار است. قرار داشتن در مسیر جاده ابریشم، وجود کوه‌ها و قلل زیبا و دریاچه آبی «آیسک کول» باعث رشد صنعت توریسم در این کشور شده است. این کشور دارای منابع نفت و گاز فراوانی نیست، اما منابع کانی این سرزمین کوهستانی شامل آنتیموان، جیوه، اورانیوم، سنگ مرمر، طلا، سنگ سمره، مس، روی و زغال سنگ این کشور را به یکی از تولید کنندگان مواد معدنی مبدل ساخته است.

جدول زیر بیانگر شاخص‌های کلان اقتصاد قرقیزستان است.

شاخص‌های کلان اقتصاد قرقیزستان (بر حسب درصد نسبت به سال قبل)

1995	1996	1997	1998	1999	2000	2001	2002	2003	2004	2005	2006	2007	2008	2009	
94.6	107.1	109.9	102.1	103.7	105.4	105.3	100.0	107.0	107.0	99.8	103.1	108.5	108.4	102.3	تولید ناخالص داخلی
75	104	140	105	96	106	105	89	117	105	88	90	107	115	93.6	تولیدات صنعتی
98	115	112	103	108	103	107	103	103	104	96	102	102	100.9	107.4	تولیدات کشاورزی
182	119	96	64	122	137	86	90	93	102	106	155	105	106	130.4	سرمایه‌گذاری ثابت
121	146	81	72	79	113	81	100.1	119	137	110	125	150	134	74	صادرات به کشورهای عضو جامعه مشترک‌المنافع
119	80	254	99	96	110	104	103	120	117	83	113	137	149	109	صادرات به سایر کشورها
169	138	90	101	59	115	86	126	127	142	117	146	154	144	79	واردات از کشورهای عضو جامعه مشترک‌المنافع

157	208	78	147	85	75	82	126	116	117	117	172	123	149	70	واردات از سایر کشورها
-----	-----	----	-----	----	----	----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	----	-----------------------

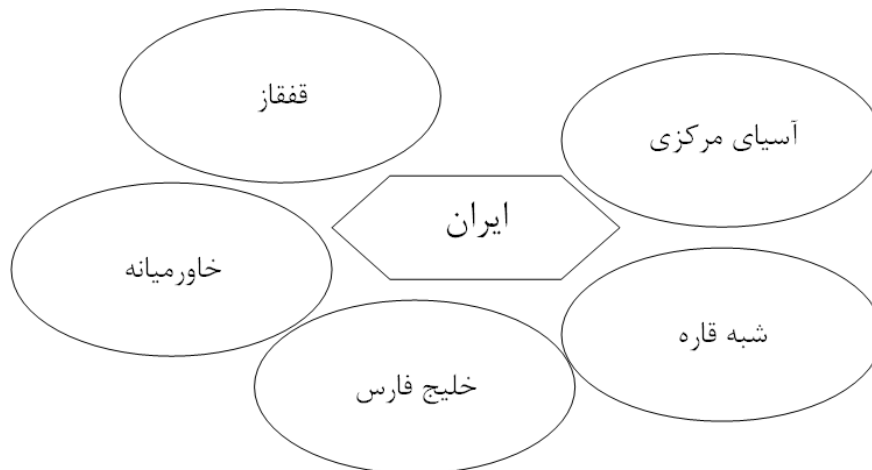
(Main Macroeconomic Indicators of Kyrgyzstan, 2010, Interstate Statistical Committee of the CIS(www.cisstat.com))

در نهایت باید از تاجیکستان یاد کرد که با دارا بودن مرز مشترک با چین و افغانستان و نزدیکی جغرافیایی به هند و پاکستان، دروازه آسیای مرکزی برای این کشورها محسوب می‌شود. شایان به ذکر است که بزرگترین منبع انرژی در این کشور به دلیل وجود یخچال‌های طبیعی متعدد در کوه‌های تاجیکستان، منابع آبی است. همچنین این کشور دارای دومین منابع زغال سنگ پس از قرقیزستان است. (شیرازی و مجیدی، 1382: 27-28) جدول صفحه بعد بیانگر شاخص‌های کلان اقتصاد تاجیکستان است.

شاخص‌های کلان اقتصاد تاجیکستان (درصد نسبت به سال قبل)

1995	1996	1997	1998	1999	2000	2001	2002	2003	2004	2005	2006	2007	2008	2008	
87.6	83.3	101.7	105.3	103.7	108.3	109.6	110.8	111.0	110.3	106.7	107.0	107.8	107.9	103.4	تولید ناخالص داخلی
86	76	98	108	106	110	115	108	110	115	110	106	110	96	93.7	تولیدات صنعتی
84	91	100.2	106	103	113	107	117	109	111	102	106	107	108	110.1	تولیدات کشاورزی
...	...	...	...	...	...	...	...	...	150	112	170	215	141	82.2	سرمایه‌گذاری ثابت
272	132	82	74	155	119	57	89	74	115	112	105	123	99.5	92	صادرات به کشورهای عضو جامعه مشترک‌المنافع
124	88	108	83	95	110	107	125	120	115	97	166	102	95	68	صادرات به سایر کشورها
205	80	126	93	115	109	96	102	109	129	112	127	138	114	80	واردات از کشورهای عضو جامعه مشترک‌المنافع
106	86	94	99	56	78	130	116	163	148	112	134	150	153	76	واردات از سایر





در این بین کشور ایران از دیرباز تاکنون رابطه‌ای عمیق با منطقه آسیای مرکزی داشته است. به نحوی که حتی در برهه‌های زمانی طولانی مدتی، منطقه آسیای مرکزی تحت تسلط حکومت مرکزی ایران بوده است. از این رو پیوندهای تاریخی، فرهنگی، تمدنی، ادبی، زبانی، قومی و... ایران با کشورهای آسیای مرکزی از چنان قوت و اهمیتی برخوردار است که تقریباً هیچ کشور دیگری را نمی‌توان مثال زد که از چنین پیوندها و اشتراکاتی با منطقه برخوردار باشد.

بر این اساس از جمله اشتراکات ایران با کشورهای منطقه آسیای مرکزی می‌توان به تجربه یک زندگی تاریخی به عنوان اعضای ساختارهای سیاسی ایران از دوران هخامنشی تا امپراطوری صفوی و دوران قاجاریه در قرن نوزدهم و همچنین نقش محوری اسلام در ایجاد پیوند در بین این کشورها، اشتراک زبان فارسی بین ایران با تاجیکستان و بخش بزرگی از ازبکستان و افغانستان و وجود شهرهایی مثل بخارا، سمرقند، بلخ، مرو، خیوه و خوارزم به عنوان مهد علوم ایرانی اشاره نمود.

علاوه بر این موقعیت ژئوپلیتیک ایران در منطقه قابل قیاس با هیچیک از کشورهای منطقه نمی‌باشد. ایران به حلقه ارتباط بین دو انبار انرژی جهان یعنی دریای خزر و خلیج فارس تبدیل شده است. «جفری کمب» یکی از ناظران عالی آمریکا در امور ژئوپلیتیک، منطقه خلیج فارس و دریای خزر را تامین کننده انرژی جهان در سده بیست و یکم دانسته و بر اساس آن بیضی استراتژیک انرژی را تعریف کرده است که بیش از ۷۰ درصد ذخایر

شناخته شده نفت و ۴۰ درصد از ذخایر شناخته شده گاز جهان در این دو منطقه قرار دارد. (شفاعی، ۲۰۱۳:۸۰) همچنین موقعیت خاص غالب کشورهای آسیای مرکزی لزوم توجه به موقعیت و شرایط ایران را دو چندان کرده است. هیچیک از کشورهای منطقه به آب‌های آزاد راه ندارند و قزاقستان پهناورترین کشور محصور در خشکی جهان بوده و ازبکستان تنها کشور محصور در خشکی در جهان است که برای دستیابی به دریا باید حداقل از دو کشور عبور کند. (بیگدلی، ۱۳۸۱: ۷)

بنابراین مجموعه شرایط و پویایی‌های موجود در آسیای مرکزی، موجب شده تا ایران نقش خود را به مثابه یک بازیگر محوری در رویدادها و فعل و انفعالات بین‌المللی منطقه ترسیم کند. عدم دسترسی کشورهای منطقه به دریای آزاد و نیاز مبرم آنها به یک کانون مواصلاتی سهل‌الوصول و قابل دسترس جهت واردات کالا و انتقال نفت و گاز به بازارهای مصرف جهان، مرکزیت ایران را برجسته‌تر کرده است.

جداول زیر مقدار و ارزش واردات و صادرات ایران با کشورهای آسیای مرکزی را نشان می‌دهند.

مقدار و ارزش واردات ایران از کشورهای آسیای مرکزی (سال ۱۳۸۶)

ردیف	نام کشور	وزن - کیلوگرم	ارزش ریالی	ارزش دلاری	وزن %
11	قزاقستان	247,613,785	132,976,305,166,3	861,684,340	88.1
22	ترکمنستان	631,338,346	576,357,383,984,1	270,605,213	83.0
28	ازبکستان	420,019,203	767,614,993,214,1	945,804,130	49.0

32 / فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره 71، پاییز 1389

43	قرقیزستان	801,710,77	356,197,443,184	227,841,19	19.0
70	تاجیکستان	009,548,16	587,952,369,237	354,566,25	04.0

(منبع: دفتر آمار و فن آوری اطلاعات و ارتباطات، گمرک جمهوری اسلامی ایران(www.irica.gov.ir))

مقدار و ارزش صادرات ایران به کشورهای آسیای مرکزی (سال 1386)

ردیف	نام کشور	وزن - کیلوگرم	ارزش ریالی	ارزش دلاری	وزن %
23	ترکمنستان	766,794,223	042,170,763,756,1	128,020,189	23.1
24	تاجیکستان	243,104,183	746,689,146,584,1	632,545,170	11.1
32	قزاقستان	685,029,88	404,460,339,730	241,666,78	51.0
34	ازبکستان	471,337,68	757,180,546,545	461,773,58	38.0
39	قرقیزستان	224,115,27	153,800,642,437	672,107,47	31.0

(منبع: دفتر آمار و فناوری اطلاعات و ارتباطات، گمرک جمهوری اسلامی ایران(www.irica.gov.ir))

همانگونه که از جداول مشخص است، هیچیک از کشورهای آسیای مرکزی جزء ده شریک اقتصادی ایران نیستند. از این رو با توجه به موانع و محدودیت‌های موجود در روابط ایران با کشورهای آسیای مرکزی، جمهوری اسلامی سعی کرده روابط خود را در منطقه از طریق همکاری‌های جمعی پیگیری نماید. بر این اساس رفتار ایران در قبال منطقه را می‌توان در دو سطح مورد بررسی قرار داد:

1. توسعه همکاری‌های اقتصادی در منطقه: بر این اساس ایران علاوه بر مراودات و مبادلات اقتصادی دوجانبه، عمده‌ترین قالب فکری و اجرایی همکاری‌های اقتصادی را در سازمان همکاری اقتصادی (اگو) جستجو نموده است. علاوه بر این، ایران سعی کرده به گسترش سازمان‌های منطقه‌ای غیر از اگو نظیر «سازمان همکاری کشورهای ساحلی دریای خزر» نیز بپردازد.

2. میانجیگری و حل منازعات منطقه‌ای: ایران همواره سعی کرده نقش مهمی در برقراری صلح و حل منازعات منطقه‌ای ایفا نماید. به عنوان نمونه می‌توان به جنگ داخلی تاجیکستان اشاره کرد که جمهوری اسلامی ایران طی چندین دوره مذاکره و میانجیگری، نقش مهمی در برقراری صلح در این کشور ایفا نمود.



در مجموع به‌رغم آنکه طی دو دهه گذشته، میزان همکاری‌های سیاسی و اقتصادی ایران و کشورهای آسیای مرکزی همواره تحت تاثیر عوامل خارجی و فرامنطقه‌ای قرار داشته است با این حال منافع متقابل و اشتراکات تاریخی به نوعی سرنوشت آنها را به یکدیگر پیوند داده است. به همین سبب به‌رغم آنکه طی سال‌های گذشته حضور قدرت‌های بزرگ نظیر روسیه، آمریکا و چین به همراه برخی از کشورهای منطقه همانند ترکیه و اسرائیل مانع شکل‌گیری روابط مستحکم سیاسی و اقتصادی میان ایران و کشورهای آسیای مرکزی شده‌اند به نظر می‌رسد که ایران سیاستی عمل‌گرایانه و واقع‌بینانه نسبت به منطقه اتخاذ کرده و در صدد ایجاد چارچوبی جهت تحکیم و تقویت همکاری‌های منطقه‌ای برآمده است. از این رو می‌توان چنین اذعان کرد که از زمان استقلال کشورهای منطقه، همواره آسیای مرکزی از جایگاه و توجه ویژه‌ای در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران برخوردار بوده است.

### ایران و آسیای مرکزی؛ ظرفیت‌های همکاری منطقه‌ای

#### الف) ژئوپلیتیک‌گرایی

در «ژئوپلیتیک‌گرایی» باید موقعیت منحصر به فرد ایران به عنوان پل ارتباطی شرق و غرب و همچنین شمال و جنوب مورد توجه قرار گیرد و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر پایه این موقعیت جغرافیایی و با توجه به همسایگان متعدد، طراحی گردد. در واقع باید در برابر هر یک از همسایگان از یک رفتار خاص تبعیت کرد. به خصوص در شرایطی که کشورهای منطقه، نشانه‌هایی از همگرایی و واگرایی را در خود دارند، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران باید در پی گسترش همگرایی و کاهش واگرایی برآید. زیرا ضرورت‌های ژئوپلیتیک ایران ایجاب می‌کند که زمینه‌های قدرت‌سازی از طریق ائتلاف و همبستگی با واحدهای هر حوزه جغرافیایی شکل گیرد. بر این اساس جمهوری اسلامی ایران باید برای هر یک از کشورهای منطقه یک استراتژی و الگوی رفتاری مشخصی تنظیم نماید. این استراتژی به‌رغم تفاوت‌هایی که در هر کشور دارد در عین حال باید از یک هدف غایی و نهایی نیز برخوردار باشد و آن هدف نهایی شامل گسترش همکاری و همگرایی میان ایران و کشورهای منطقه گردد. بنابراین با توجه به واقعیت‌های ژئوپلیتیکی ایران، امکان ظرفیت‌های منطقه‌ای جهت تحقق همکاری و همگرایی فراهم خواهد آمد. (بهمن، 1388: 175)

بر این اساس ایران برای پیشبرد ایده ژئوپلیتیک‌گرایی در قبال تاجیکستان می‌تواند افزایش سطح روابط سیاسی، نظامی و امنیتی خود با این کشور را در دستور کار قرار دهد. در واقع افزایش سفرها و ملاقات‌ها میان مقامات رسمی و دولتی به عنوان راهی جهت ارتقاء مناسبات دوجانبه است و می‌تواند از حضور نظامی غرب به ویژه آمریکا در تاجیکستان جلوگیری نماید. باید توجه داشت که ایران تاکنون همکاری‌های محدودی با تاجیکستان در حوزه‌های نظامی داشته است. این در حالی است که قدرت‌های بزرگ سعی دارند به اشکال مختلف به ارتش‌های کشورهای آسیای مرکزی کمک‌های مالی نمایند. از سوی دیگر برای دولت تاجیکستان که همچنان از تجهیزات و آموزش دوران شوروی بهره می‌گیرد، همکاری نظامی و امنیتی با سایر کشورها می‌تواند ثمربخش باشد. به خصوص که گاهی اوقات روسیه نیز از اعطای کمک‌های مختلف به کشورهای منطقه، شانه خالی می‌کند. بنابراین ایران با توجه به دستاوردهای نظامی و دفاعی خود که طی سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی کسب کرده است، باید توجه بیشتری به حوزه‌های نظامی و دفاعی در روابط خود با تاجیکستان نماید.

علاوه بر این، یکی دیگر از مهمترین بخش‌های امنیتی که ایران می‌تواند حضور موثری در آن داشته باشد، مسئله مبارزه با قاچاق مواد مخدر است. این امر با توجه به آسیب‌پذیری تاجیکستان در این حوزه از یک سو و توانایی‌ها و تجربه بالای ایران در خصوص مبارزه با قاچاق مواد مخدر از سوی دیگر، بیش از پیش ضروری تلقی می‌گردد. در واقع ایران می‌تواند با در اختیار قرار دادن تجربیات خود و همچنین آموزش نیروهای نظامی تاجیکستان، همکاری موثری با دولت این کشور در راستای مبارزه با قاچاق مواد مخدر نماید.

در عین حال ایران باید به مبارزه با تبلیغات منفی پردازد که علیه جمهوری اسلامی ایران در تاجیکستان جریان دارد. شایان به ذکر است که در حال حاضر بسیاری از روشنفکران تاجیک، ایران را به عنوان شکل و الگوی آینده کشور خود می‌بینند. این مسئله به همراه تبلیغات منفی دوران حاکمیت کمونیست‌ها و همچنین سیاه‌نمایی‌های غرب در خصوص ایران، باعث رشد جریانات ضد ایرانی در بخشی از جمعیت تاجیکستان شده است و عموماً در دو حوزه نمودار گشته است. به نحوی که از یک سو برخی معتقدند حضور ایران در تاجیکستان به تشدید موقعیت اسلام‌گرایان می‌انجامد و از سوی دیگر برخی بر این باورند که

ایران در پی از بین بردن حاکمیت ملی و استقلال تاجیکستان است و می‌خواهد این کشور را به خاک خود الحاق کند. در این بین دولت ایران باید در وهله نخست به آن بخش از جامعه تاجیکستان القا کند که تاجیک‌ها بر خلاف ایرانی‌های شیعه مذهب از مذهب سنی اسلام پیروی می‌کنند و حتی اگر اسلام‌گرایان تاجیک به حکومت برسند، احتمال اینکه سیاستی همسان با ایران را در پیش گیرند، وجود ندارد. در مرحله دوم دولت ایران باید به طور واضح با سیاست‌های خود نشان دهد که نه تنها قصد الحاق تاجیکستان به خاک خود و از بین بردن حاکمیت ملی و استقلال این کشور را ندارد، بلکه به حاکمیت ملی و استقلال تاجیک‌ها کاملاً احترام می‌گذارد. ایران باید یادآوری کند که نخستین کشوری بوده که استقلال تاجیکستان را به رسمیت شناخته و همچنین با رعایت کامل موازین بی‌طرفی، تلاش فراوانی در جهت آشتی و برقراری صلح در تاجیکستان کرده است.

جمهوری اسلامی ایران در خصوص ترکمنستان نیز می‌تواند با توجه به سابقه خوب دو کشور در روابط دوستانه، گسترش بیش از پیش روابط را سرلوحه برنامه‌های خویش قرار دهد. به خصوص که ایران و ترکمنستان از امکانات خوبی برای همکاری دوجانبه برخوردارند و بدون دخالت در امور داخلی همدیگر می‌توانند همکاری‌های خود را افزایش دهند. در واقع حفظ احترام متقابل، عدم دخالت در امور داخلی یکدیگر و پیشبرد منافع مشترک از اصول راهبردی در روابط تهران و عشق آباد است که می‌تواند زمینه‌ساز توسعه روابط باشد. بر این اساس افزایش کنسولگری در شهرهای مختلف ترکمنستان، یکی از راه‌های مناسب جهت گسترش روابط محسوب می‌شود. در واقع با توجه به سطح خوب روابط و وجود انگیزه برای گسترش آن، لازم است که ایران نسبت به افزایش کنسولگری‌های خود در شهرهای مختلف ترکمنستان اقدام نماید تا امور مختلف سیاسی و اداری با اتلاف وقت کمتری صورت گیرند.

از سوی دیگر با توجه به اینکه روابط سیاسی ایران و ترکمنستان تاکنون در سطح بسیار خوبی بوده و دو کشور اغلب مواضع مشترکی در مجامع جهانی و منطقه‌ای داشته‌اند، لذا حفظ مواضع مشترک در مورد مسائل منطقه‌ای به خصوص تعیین رژیم حقوقی دریای خزر می‌تواند تامین کننده منافع هر دو طرف و پیشبرد الگوی ژئوپلیتیک‌گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران باشد. علاوه بر این، اهدافی نظیر تقویت موقعیت در منطقه، کسب حداکثر سود از ذخایر کلان انرژی در ترکمنستان و بهره‌گیری از موقعیت جغرافیایی ایران در چهارراه جاده‌های حمل و نقل منطقه‌ای از جمله اهداف عملی ایران در روابط با

ترکمنستان محسوب می‌شوند. در این بین باید توجه داشت که موضع بی‌طرفانه ترکمنستان در امور بین‌المللی برای ایران منافع ویژه‌ای دارد زیرا این موضع به مقامات ترکمنستان اجازه می‌دهد که در میان محورهای قدرت جهان به طور موفقیت‌آمیزی حرکت کنند و حتی از تحریک آمریکای نیرومند نیز هراسی نداشته باشند. در واقع این امر موجب می‌شود که ترکمنستان عملاً از ائتلاف‌های بین‌المللی علیه ایران خارج بماند.

ژئوپلیتیک‌گرایی ایران در خصوص قزاقستان می‌تواند دارای دو جنبه ایجابی و سلبی باشد. بر این اساس گسترش روابط دوجانبه می‌تواند نقش ایجابی ایفا کند. به عنوان نمونه تعیین رژیم حقوقی دریای خزر، یکی از مهمترین مسائلی است که بر حوزه ژئوپلیتیک ایران تاثیر بسیار زیادی دارد. علاوه بر این، روابط میان دو کشور باید طوری تنظیم شود که مناسبات دوجانبه به تامین نیازها و رفع محدودیت‌های اقتصادی و فرهنگی قزاقستان منجر گردد. چنین روندی می‌تواند به تدریج سطح مناسبات و همکاری‌های دوجانبه ایران و قزاقستان را بالا ببرد.

در خصوص قرقیزستان، با توجه به اینکه حضور نیروهای مسلح آمریکا و ناتو در این کشور باعث نگرانی شدید ایران است، لذا گسترش روابط در راستای خنثی‌سازی تهدیدهای امنیتی باید به یکی از اولویت‌های ایران مبدل گردد. از این رو گسترش سطح روابط سیاسی و ارتقاء همکاری‌های منطقه‌ای می‌تواند تا حد زیادی منافع ایران را تامین کند به خصوص با توجه به اینکه مواضع و دیدگاه‌های دو کشور در خصوص مسائل منطقه‌ای و مبارزه با شیوع مواد مخدر به یکدیگر نزدیک است، لذا همکاری‌های دوجانبه می‌تواند در جهت استقرار صلح و ثبات در منطقه صورت گیرد. بر این اساس جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر نقش فعال خود در حفظ ثبات و آرامش در منطقه و آمادگی برای مقابله با هرگونه بی‌ثباتی نه تنها می‌تواند بر کاهش التهاب و حساسیت در منطقه و جلوگیری از پیدایش و رشد بحران‌های تازه تاثیرگذار باشد، بلکه عملاً به تقویت و پیشبرد الگوی ژئوپلیتیک‌گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نیز منجر می‌شود.

ژئوپلیتیک‌گرایی ایران در قبال ازبکستان در وهله نخست می‌تواند شامل رفع تنش‌های موجود در روابط دو کشور گردد و سپس به گسترش روابط سیاسی و امنیتی منجر شود. بر این اساس با توجه به تبلیغات منفی صورت گرفته، جمهوری اسلامی ایران باید به پرورش روابط معقول و مبتنی بر احترام متقابل میان طرفین، اهتمام بیشتری بورزد تا از این

طریق نخبگان و حاکمان منطقه را با حقایق ایران و اسلام سیاسی در ایران معاصر آشنا سازد. در این راستا افزایش دیدارهای رسمی و غیر رسمی در سطوح مختلف می‌تواند به احساس نزدیکی و ارتقاء مناسبات دو و چندجانبه در منطقه مبدل شود.

همچنین در شرایطی که تاکنون ازبکستان در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از جایگاه و اولویت برخوردار نبوده است، این امر باید اصلاح گردد و به حضور سیاسی و امنیتی در ازبکستان به مثابه عمق استراتژیک حضور ایران در منطقه آسیای مرکزی نگریسته شود. در این راستا جمهوری اسلامی ایران می‌تواند از موقعیت ژئوپلیتیک خود به مثابه یک ابزار موثر استفاده نماید. این امر به خصوص با توجه به محصور بودن ازبکستان در خشکی، توان و وزن ایران را در ملاحظات سیاسی و امنیتی افزایش خواهد داد. از این رو در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران باید انطباق کامل بین محیط روانی و عملیاتی مبنی بر واقعیت‌های ژئوپلیتیک صورت گیرد.

### ب) ژئواکونومیک‌گرایی

جدا از جنبه‌های سیاسی و امنیتی، ایران می‌تواند در دو حوزه اقتصاد و فرهنگ نیز به مراد و تنظیم روابط مسالمت‌آمیز با کشورهای منطقه مبادرت ورزد. از این رو «ژئواکونومیک‌گرایی» به عنوان رهیافتی اقتصادی باید در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از نقش و جایگاه برجسته‌ای برخوردار گردد زیرا از یک سو باعث رشد و توسعه اقتصادی در داخل کشور خواهد شد و از سوی دیگر با افزایش مبادلات تجاری و اقتصادی با کشورهای منطقه می‌تواند تا حد زیادی تهدیدهای سیاسی و امنیتی را نیز کاهش دهد. به خصوص که با توجه به فرایند «جهانی شدن»<sup>1</sup> به عنوان پدیده‌ای فراگیر و در حال رشد و گسترش باید به تبیین نسبت انقلاب اسلامی با آن پرداخت.

<sup>1</sup> «جهانی شدن» از لحاظ مفهومی با تعاریف و شاخصه‌های متفاوتی قابل شناسایی می‌باشد و تاکنون تعریف جامع و کاملی که مورد اتفاق اکثر عالمان یک رشته علمی باشد و بتوان آن را به عنوان پارادایم غالب مورد استفاده قرار داد به وجود نیامده است. به هر حال به‌رغم عدم وجود تعریف یکسانی از جهانی شدن در میان صاحب‌نظران مسائل سیاسی، اغلب تعاریف حاوی نکات مشترکی در خصوص ویژگی‌های جهانی شدن اقتصاد هستند که برجسته‌ترین آنها را می‌توان چنین برشمرد: وابستگی متقابل و ادغام بازارهای ملی در یکدیگر و ایجاد بازار آزاد در جهان، انتقال آزاد سرمایه، کالا، خدمات و نیروی کار، رشد سرمایه‌گذاری‌های خارجی و انجام مبادلات بازرگانی بدون موانع تعرفه‌ای و گمرکی در سطح جهان، رشد قدرت و نفوذ بازیگران غیردولتی همچون شرکت‌های چندملیتی و اتحادیه‌های تجاری بین‌المللی، گسترش

از این رو ژئواکونومیک‌گرایی در شرایطی از اهمیت بیشتری برخوردار می‌گردد که به فرایند جهانی شدن به طور معقولی نگریسته شود. در این بین به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی ایران با سه گزینه و راه‌کار مواجه باشد؛ نخستین گزینه جمهوری اسلامی ایران تسلیم و استحاله است که با توجه به روند تاریخی انقلاب اسلامی، انتخاب چنین گزینه‌ای بعید و غیرعقلانی به نظر می‌رسد. راه‌کار دوم، تقابل و درگیری یا رویارویی فیزیکی و سخت است که با توجه به امکانات ملی و محاسبه سود و زیان، گزینه‌ای غیرموجه می‌باشد. راه‌کار سوم که مد نظر بحث حاضر نیز می‌باشد، تعامل نرم با پدیده جهانی شدن است. این تعامل با پی‌گیری ایده هم‌مون‌گرایی منطقه‌ای و از طریق ایجاد یک اقتصاد قدرتمند و ورود به بازارهای جهانی، قابل اجرا است.

در این خصوص لازم به ذکر است، حرکت به سوی اقتصاد بازار آزاد از مهمترین تحولاتی خواهد بود که ایران را به سوی افزایش تجارت جهانی و به خصوص بهبود مراودات منطقه‌ای سوق می‌دهد. به همین سبب نیز ژئواکونومیک‌گرایی تا حد زیادی در سند چشم‌انداز 20 ساله و سیاست‌های ابلاغی اصل 44 قانون اساسی از سوی مقام رهبری تبیین شده است. بنابراین هدف فوق می‌تواند در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نیز بدون مانع قانونی پی‌گیری شود و ایران با تعریفی اقتصادی از خود، ژئواکونومیک‌گرایی را در سیاست خارجی نیز پی‌گیری نماید. (بهمن، 1388: 176-177)

از سوی دیگر ایران برای پیشبرد ژئواکونومیک‌گرایی باید به گسترش سطح روابط اقتصادی خود با کشورهای منطقه نیز بپردازد. در این بین باید توجه داشت به‌رغم آنکه ایران در سال‌های اخیر گام‌های مهمی در راستای افزایش سرمایه‌گذاری و حضور فعالانه در اقتصاد کشورهای آسیای مرکزی برداشته است با این حال نسبت به سایرین از رتبه مناسبی در صادرات و واردات و همچنین میزان سرمایه‌گذاری در این کشورها برخوردار نیست. بر این اساس ژئواکونومیک‌گرایی ایران در قبال تاجیکستان می‌تواند شامل افزایش سرمایه‌گذاری به خصوص سرمایه مستقیم در این کشور باشد. زیرا با توجه به نیازهای اقتصادی تاجیکستان به سرمایه‌گذاری در بخش‌های زیربنایی این کشور، سرمایه‌گذاری مستقیم ایران می‌تواند در آینده فضای اقتصادی مناسبی را فراهم سازد. به خصوص با توجه

به اینکه تاجیکستان پس از پشت سر گذاشتن جنگ داخلی در چند سال اخیر به سرعت در تلاش برای رفع خرابی‌های ناشی از جنگ و توسعه اقتصادی کشور می‌باشد، زمینه مناسبی نیز برای فعالیت اقتصادی در این کشور وجود دارد. از این رو تسهیل شرایط برای سرمایه‌گذاری بخش‌های خصوصی و دولتی به ویژه در حوزه‌های زیربنایی و مشارکت در پروژه‌های عمرانی و صنعتی باید سرلوحه برنامه‌های ایران قرار گیرد. همچنین باید توجه ویژه‌ای به بازار تاجیکستان به منظور صدور کالا به این کشور کرد. ضمن آنکه ایران با توجه به برخورداری از موقعیت ژئوپلیتیکی و دسترسی به آب‌های آزاد می‌تواند به عنوان مسیر ترانزیت کالاهای فوق شناخته شود و از این بابت درآمد کلانی کسب کند.

در مجموع مقامات بلندپایه تاجیکستان همواره از مشارکت دولت جمهوری اسلامی ایران در طرح‌ها و پروژه‌های عمرانی استقبال کرده‌اند. بنابراین حضور دولت ایران و همچنین شرکت‌های فنی - مهندسی بزرگ ایرانی در پروژه‌های بزرگ عمرانی و حتی طرح‌های عمرانی - ملی تاجیکستان، علاوه بر منافع اقتصادی می‌تواند وجهه ایران را نیز در نزد مردم منطقه افزایش دهد. در این خصوص باید به ارسال کمک‌های بشر دوستانه نیز توجه داشت. زیرا با توجه به پیوندهای تاریخی، قومی، زبانی و نژادی میان مردم ایران و تاجیکستان، اعطای کمک‌های بشردوستانه اقتصادی تا حد زیادی می‌تواند وجهه ایران را نزد مردم تاجیکستان افزایش دهد. مسلماً چنین امری در راستای پیشبرد ژئواکونومیک‌گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود.

در شرایطی که ترکمنستان برای روابط و همکاری‌های پایدار با همسایه جنوبی خود اهمیت ویژه‌ای قائل است با این حال آمارها نشان می‌دهد که میزان مبادلات بازرگانی با توجه به اشتراکات زیاد فرهنگی، تاریخی، اقتصادی و نیز وجود یک هزار و ۲۷۰ کیلومتر مرز مشترک آبی و زمینی کافی نیست. به ویژه با توجه به وجود چهار نقطه مواصلاتی بین دو کشور یعنی گمرگ باجگیران، لطف آباد، اینچه‌برون و سرخس، شرایط ترانزیت کالا برای هر دو کشور بسیار مساعد به نظر می‌رسد. علاوه بر این خط ریلی راه آهن «سرخس - مشهد - تجن» و همچنین خط کشتیرانی بندر ترکمن‌باشی با بنادر ساحلی دریای خزر از جمله تسهیلات ایجاد شده برای ترانزیت مبادله کالا بین دو کشور است که باید از آنها به نحو مطلوبی استفاده شود.

بنابراین در حال حاضر با توجه به وجود زمینه‌های لازم جهت گسترش همکاری میان ایران و ترکمنستان از جمله سطح خوب روابط سیاسی، بعد کم مسافت میان دو کشور

و اهتمام بسیار زیاد کشور ترکمنستان جهت جلب سرمایه‌های خارجی و همچنین با تاکید بر این امر که ایران از توانایی‌های فنی و اقتصادی لازم جهت مشارکت در برخی از طرح‌های سرمایه‌گذاری ترکمنستان برخوردار می‌باشد، لذا توجه به ژئواکونومیک‌گرایی می‌تواند نتایج درخور توجهی را برای ایران در پی داشته باشد. در این راستا ایجاد و احداث بازارچه‌های مرزی، همکاری در طرح‌های عمرانی و تفریحی، همکاری در خصوص تبادل انرژی، مشارکت در راه‌سازی و جاده‌سازی، گسترش فعالیت‌های بانکی، توسعه همکاری‌های گمرکی، بر طرف کردن موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای در فعالیت‌های بازرگانی و ارتقاء سرمایه‌گذاری بخش خصوصی تا حد زیادی راهگشا هستند.

از سوی دیگر ایران می‌تواند به استفاده از موقعیت ژئوپلیتیکی خود به خصوص در زمینه‌های انتقال انرژی بپردازد. به خصوص که در حال حاضر جمهوری اسلامی ایران بهترین و با صرفه‌ترین مسیر برای صدور گاز ترکمنستان به اروپا است. در این راستا احداث خط لوله نکا - جاسک گامی مهم محسوب می‌شود. در مجموع، همکاری ایران در بخش انتقال و معاوضه گاز و نفت ترکمنستان از دو جنبه حائز اهمیت است. نخست آنکه استفاده از این منابع در شمال کشور هزینه‌های حمل سوخت مورد نیاز از جنوب کشور را کمتر می‌نماید و دوم آنکه، معاوضه این منابع درآمد قابل ملاحظه‌ای را عاید ایران می‌کند. در مقابل ترکمنستان نیز منابع خود را به راحتی به بنادر جنوبی ایران جهت ارسال به مقصد مشتریان خود منتقل می‌کند.

در خصوص قزاقستان نیز به‌رغم شرایط نسبتاً مساعد جهت حضور اقتصادی ایران در این کشور با این حال تاکنون قزاقستان نیز همچون سایر جمهوری‌های آسیای مرکزی از جایگاه قابل توجهی در سیاست‌های اقتصادی ایران برخوردار نبوده است. این در حالی است که ظرفیت‌های مناسبی جهت صادرات کالاهای مختلف به این کشور وجود دارد. بنابراین در شرایطی که اغلب اقلام صادراتی ایران به قزاقستان به راحتی در بازارچه‌های این کشور قابل عرضه و فروش می‌باشند و همچنین با توجه به اینکه برخی از کشورهای همسایه قزاقستان نیز بخشی از مایحتاج خود را از بازار داخلی قزاقستان تامین می‌نمایند، لذا بخشی از کالاهای ارسالی از ایران می‌توانند زمینه‌های حضور موثرتر در بازارهای سایر کشورهای منطقه را نیز تقویت نمایند.



از سوی دیگر با توجه به توسعه برنامه‌ها و گسترش فعالیت‌های هسته‌ای، ایران در آینده نیاز فراوانی به اورانیوم خواهد داشت و قزاقستان می‌تواند منبع خوبی برای تامین اورانیوم مصرفی ایران باشد. به خصوص که قزاقستان با در اختیار داشتن حدود ۲۵ درصد ذخایر اورانیوم جهان پس از کانادا و استرالیا سومین تولید کننده اورانیوم دنیا محسوب می‌گردد. بر این اساس شرکت ملی اتمی قزاقستان (گاز اتم پروم) در آخرین گزارش خود تولید اورانیوم در قزاقستان را در سال 2007 بیش از 6 هزار و 630 تن اعلام کرد. همچنین دولت قزاقستان در نظر دارد تولید اورانیوم را تا پایان سال 2010 به بیش از پانزده هزار تن افزایش دهد که این امر قزاقستان را به بزرگترین تولید کننده اورانیوم در جهان مبدل خواهد کرد. (افزایش تولید اورانیوم در قزاقستان، 4 بهمن 1386)

بنابراین با توجه به روابط خاص ایران با غرب و کارشکنی غربی‌ها در خصوص برنامه‌های هسته ایران و همچنین با تاکید بر این نکته که شرکت ملی اتمی قزاقستان یکی از بزرگترین شرکت‌های تولید اورانیوم در جهان است و صد درصد سهام آن به دولت قزاقستان تعلق دارد، لذا این کشور می‌تواند شریک مناسبی برای تامین اورانیوم مورد نیاز ایران باشد. به خصوص که قزاقستان نیز تمایل زیادی در جهت توسعه روابط خود با ایران هم به صورت دو جانبه و هم به صورت چند جانبه در چارچوب سازمان همکاری اقتصادی (اگو) نشان داده است. علاوه بر این ایران می‌تواند با نگاه جدی به مسیر انتقال انرژی قزاقستان - ترکمنستان - ایران به پیشبرد ژئو اکونومیک‌گرایی در قبال قزاقستان بپردازد. این مسیر که از طریق آن می‌توان نفت قزاقستان و ترکمنستان را به جزیره خارک در خلیج فارس با طی مسافت 930 مایل منتقل کرد، با صرفه‌ترین و بهترین خط محسوب می‌شود. این خط لوله 1/5 میلیارد دلار هزینه در بر خواهد داشت و حق ترانزیت از آن نیز 3 دلار در هر بشکه خواهد بود. با توجه به اینکه در بیشتر قسمت‌های این مسیر، شبکه خط لوله نفت ایران وجود دارد با تکمیل و توسعه آنها با هزینه کمتری می‌توان خط لوله مذکور را راه‌اندازی کرد. (سوآپ نفت، فرصتی ارزشمند برای ایران، 13/9/1385) شرایط فوق به ایران اجازه می‌دهد تا هم جهت انتقال گاز ترکمنستان به پاکستان و هم جهت خرید نفت در شمال و صدور همان مقدار نفت در جنوب، کارمزد و اجرت دریافت کند. همچنین ایران در این صورت می‌تواند به دلیل فراهم کردن یک راه ترانزیت نیز درآمد داشته باشد. علاوه بر این ایران به لحاظ اینکه دارای یک شبکه انتقال وسیع نفت در سراسر سرزمین خود است،

می‌تواند با استفاده از آنها جهت راه‌های جایگزین، خیلی زود و با سرمایه‌گذاری کمتری نسبت به گزینه‌های دیگر انتقال انرژی دریای خزر، مسیرهایی را برای رساندن نفت و گاز دریای خزر به بازارهای مصرف جهان به ویژه برای بازارهای وسیع در حال گسترش جنوب شرق آسیا مثل چین و ژاپن تامین کند. ضمن آنکه ارتقاء جایگاه اقتصادی، افزایش امنیت و رشد همگرایی و همکاری منطقه‌ای نیز می‌تواند از جمله پیامدهای عبور نفت و گاز منطقه از ایران باشد.

از طرفی عدم دسترسی مستقیم قزاقستان به آب‌های آزاد و واقع شدن ایران در مسیر حمل و نقل جنوبی این کشور باید همکاری‌های حمل و نقلی را در اولویت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران قرار دهد. به خصوص که قزاقستان، ارتباطات و حمل و نقل را دو عامل مهم در برقراری روابط و همکاری با ایران به شمار می‌آورد. از این رو یک ظرفیت بالقوه خوب برای اشکال مختلف روابط میان دو کشور وجود دارد که با پایدار شدن خطوط مستقیم حمل و نقل شامل ارتباطات دریایی، هوایی و زمینی (راه‌آهن) می‌تواند به طور موثر به کار گرفته شود و در بلند مدت ایران را به یکی از بزرگ‌ترین وارد کنندگان تولیدات کشاورزی قزاقستان مبدل سازد. ضمن آنکه ایران می‌تواند یکی از بهترین و مناسب‌ترین مسیرهای انتقال انرژی قزاقستان به جهان خارج باشد. بر این اساس احداث خط لوله قزاقستان - ایران - عراق - مدیترانه جهت انتقال نفت قزاقستان از سوی کشورهای ذی‌نفع تحت بررسی است.

از سوی دیگر موقعیت ژئوپلیتیک جمهوری قرقیزستان می‌تواند فرصتی را برای ایران جهت دسترسی به بازارهای اروپایی فراهم می‌کند. از این رو بهره‌گیری از موقعیت ژئوپلیتیک قرقیزستان می‌تواند به یکی از اولویت‌های ژئواکونومیک‌گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مبدل شود. در این راستا برقراری روابط بانکی، رفع ممانعت‌های مربوط به بخش حمل و نقل مسافری و تجاری، برگزاری نمایشگاه‌ها، برطرف نمودن موانع همکاری‌های گمرکی و بازرگانی، تسهیل مبادلات تجاری دو استان خراسان و اوش با یکدیگر و همچنین استفاده از راه‌های ترانزیتی طرفین خصوصاً خطوط راه آهن و کشتیرانی جهت حمل کالاهای صادراتی و وارداتی قرقیزستان می‌تواند در دستور کار قرار گیرند.

در خصوص ازبکستان نیز به‌رغم آنکه توسعه روابط اقتصادی به لحاظ موقعیت این کشور در منطقه آسیای مرکزی و واسطه عبوری به سایر کشورها از اهمیت خاصی برخوردار

است با این حال جمهوری اسلامی ایران از تمام ظرفیت‌های همکاری مشترک خود بهره‌گیری نکرده است. البته در این راستا قدم‌های مؤثری طی سال‌های گذشته برداشته شده است که از آن جمله می‌توان به برپایی نمایشگاه‌های مختلف اختصاصی ایران در تاشکند، برقراری نظام ترجیحات تعرفه‌ای متقابل، استقرار رایزن بازرگانی ایران در این کشور، تاسیس شعبه بانک صادرات ایران در تاشکند، ایجاد واحدهای مستقل و مشترک توسط تجار و شرکت‌های ایرانی و انجام پروژه‌های مختلف خدمات فنی و مهندسی در ازبکستان اشاره نمود. در این بین عدم تمایل سیاسی ازبکستان به گسترش روابط اقتصادی با ایران، قوانین دست و پاگیر تجارت و عدم ثبات سیاست‌های اقتصادی در ازبکستان، فقدان موافقتنامه بازرگانی بین دو کشور و دو برابر شدن تعرفه‌های کالاهای ایرانی برای واردات به ازبکستان، انتخاب راه‌های نادرست توسط برخی از ایرانیان برای کسب سود بیشتر، مشکلات مربوط به اخذ و تمدید روادید، عدم معرفی و شناسایی کالاهای ایرانی در ازبکستان و صادرات اقلام نامرغوب، عدم دریافت اعتبارات لازم از سوی بانک‌ها، عدم هماهنگی برخی از کارخانجات ایرانی و نمایندگان آنها، مقررات دست و پاگیر بانکی، مسایل مربوط به انتقال ارز و انتخاب روش‌های غیرقانونی برای آن از جمله مهمترین مشکلات سرمایه‌گذاری و حضور تجار ایرانی در ازبکستان محسوب می‌شوند که باید رفع گردند. در این راستا افزایش دیدار هیات‌های بلندمرتبه و انعقاد موافقت‌نامه‌های همکاری بازرگانی می‌تواند موجب گسترش روابط اقتصادی دو کشور شود.

علاوه بر موارد فوق، موقعیت منحصر به فرد ایران از یک سو و تمایل ازبکستان جهت دستیابی به آب‌های آزاد به خصوص آب‌های اقیانوس هند، می‌تواند زمینه‌ساز انعقاد موافقت‌نامه‌هایی درباره مسیرهای حمل و نقل بین‌المللی گردد. در واقع از این طریق ازبکستان امکان کوتاه کردن راه به بندرهای خلیج فارس را به منظور انتقال محصولات خود از طریق بندر عباس و بندر چابهار ایران به سواحل اقیانوس هند به دست خواهد آورد. از سوی دیگر ازبکستان در قلب آسیای مرکزی بین دو رود «آمو دریا» و «سیر دریا» واقع شده است و با تمامی جمهوری‌های آسیای مرکزی مرز مشترک دارد. در واقع حضور در بازار این کشور، ورود به بازار سایر کشورهای منطقه را تسهیل می‌نماید. در نتیجه ایران می‌تواند کالاهای خود را از طریق ازبکستان به آسیای مرکزی و کشورهای مشترک‌المنافع صادر کند.

در این بین آنچه در روابط اقتصادی ایران و ازبکستان خودنمایی می‌کند، غیبت و یا حضور کم‌رنگ بخش خصوصی ایران در بازارهای این کشور است. در این راستا به نظر می‌رسد که از امکانات بالفعل و بالقوه دو کشور جمهوری اسلامی ایران و جمهوری ازبکستان استفاده نشده است. این در حالی است که کالاهای ایرانی در بسیاری از موارد، قابلیت فروش بسیار مناسبی در ازبکستان دارند و همین طور کالاهای آن کشور با توجه به نزدیکی راه و قابلیت استفاده در صنایع به خصوص پنبه، کائولن و... از امکانات خوبی برخوردار هستند. در واقع بازار ازبکستان، بازاری قابل دسترس می‌باشد که حضور و نفوذ بیشتر در آن می‌تواند به رشد صادرات غیرنفتی ایران کمک بسزایی داشته باشد.

### ج) ژئوکالچرگرایی

سومین شاخصه‌ای که جمهوری اسلامی برای استفاده از ظرفیت‌های منطقه‌ای در راستای همکاری و همگرایی باید از آن پیروی کند، «ژئوکالچرگرایی» است. بر این اساس ایران باید در روابط خود با کشورهایی که از سابقه تاریخی و پیوندهای فرهنگی با ایران برخوردارند به گسترش روابط فرهنگی و تاکید بر اشتراکات تاریخی بپردازد. در این رهیافت، کشورهای آسیای مرکزی با توجه به اشتراکات و پیوندهای تاریخی، فرهنگی، مذهبی، قومی، نژادی و زبانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار می‌باشند. همچنین در زمینه ژئوکالچرگرایی می‌توان با توسل به ایده‌هایی همچون «احیای تمدن ایرانی - اسلامی»، حرکتی نوین را در جهان اسلام و در سطح منطقه نیز آغاز کرد.

در این راستا بازشناسی فرهنگ ملی و فرهنگ سیاسی ایرانیان و تاثیرگذاری مولفه‌های آن در محیط‌های سیاسی و سیاست خارجی به ویژه در دوره حاکمیت ارزش‌های دینی در عرصه سیاست از اهمیت خاصی برخوردار می‌باشد؛ به خصوص که عامل فرهنگ بدون آن که تنها عامل باشد یا جزمیتی در تعیین‌کنندگی آن وجود داشته باشد، همیشه یکی از عوامل تعیین‌کننده در سیاست خارجی به شمار می‌آید. (نقیب‌زاده، 1378: 642) همچنین با توجه به اینکه مقوله فرهنگ را می‌توان چارچوب مسلط روابط بین‌الملل، پشتوانه اصلی کردار دولت و سرچشمه اصلی برخورد در امور جهانی تلقی کرد، لذا باید توجه بیشتری به ژئوکالچرگرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران صورت گیرد.

در این بین یکی از مهمترین راه‌کارها برای پیشبرد ژئوکالچرگرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، توجه ویژه به فرهنگ به عنوان مهمترین وجه قدرت نرم است. زیرا امروزه قدرت نرم از جایگاه ویژه‌ای در راهبردهای قدرت‌های بزرگ برخوردار شده است و بی‌شک مهمترین وجه قدرت نرم، ابعاد فرهنگی آن و تاثیرگذاری از دریچه فرهنگ و هنر است. لذا جمهوری اسلامی ایران با توجه به پیوندهای تاریخی، فرهنگی، قومی، نژادی، زبانی و تمدنی که با کشورهای آسیای مرکزی دارد باید هر چه بیشتر بر روابط فرهنگی تاکید نماید. در واقع هم‌پیوندی و اشتراکات تاریخی و فرهنگی، راه و مسیر اعمال قدرت نرم ایران و تاثیرگذاری به واسطه حضور فرهنگی در کشورهای منطقه را بیش از پیش میسر ساخته و دولت ایران باید نهایت استفاده از آن را ببرد.

بر این اساس ژئوکالچرگرایی ایران در قبال تاجیکستان باید متناسب با قرابت ملیتی و فرهنگی تاجیک‌ها و ایرانی‌ها تدوین گردد. به خصوص تمایل هر دو کشور درباره ایجاد اتحاد کشورهای فارسی زبان که افغانستان ضلع سوم آن است، می‌تواند به پیشبرد ژئوکالچرگرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران کمک‌های شایان توجهی نماید. در سال‌های پیروزی انقلاب اکتبر، مرزهای آسیای مرکزی با ایران کاملاً بسته شد و رویدادهای سیاسی و فرهنگی، تنها از طریق مطبوعات و آن هم با تأخیر چشمگیر در دسترس افراد روشنفکر جامعه قرار می‌گرفت. در دوران پهلوی نیز رشته روابط بسیار نازک و فرسوده بود و تنها عاملی که مانع از قطع شدن آن می‌شد، یگانگی زبان و فرهنگ میان اقوام فارسی زبان و نشر کتاب‌های فارسی در قلمروهای مشترک بود. لیکن روابط همه‌جانبه فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و... میان این دو کشور، تنها پس از استقلال جمهوری تاجیکستان و به رسمیت شناخته شدن آن توسط جمهوری اسلامی ایران میسر شد و از آن پس گام به گام گسترش یافت. با این حال به نظر می‌رسد هنوز هم تحت تاثیر تبلیغات منفی کمونیست‌ها، چهره‌ای مخدوش از ایران نزد مردم تاجیکستان وجود دارد. از این رو با توجه به قطع ارتباط‌های فرهنگی میان مردم ایران و تاجیکستان باید بیش از پیش سدها و موانع فرهنگی موجود میان دو کشور شکسته شود.

در این راستا تاکید بر مظاهر تمدن ایرانی و گسترش زبان فارسی می‌تواند تا حد زیادی راهگشا باشد. زیرا تاجیک‌ها علاقه وافری به فرهنگ و تمدن ایرانی دارند و خود را متعلق به فرهنگ و تمدن فارسی - ایرانی در طول تاریخ می‌دانند. به نحوی که در

تاجیکستان پس از استقلال، مجسمه‌ی «فردوسی» در قلب شهر دوشنبه جایگزین مجسمه «لنین» شد. بنابراین با توجه به شور و اشتیاقی که در میان مردم و مسئولان تاجیکستان در خصوص مظاهر تمدن و فرهنگ ایرانی وجود دارد، لذا پیشنهاد می‌شود جمهوری اسلامی در روابط با دوشنبه بیش از هر چیز دیگر به همین حوزه توجه نماید. به خصوص که زبان فارسی این امکان را می‌دهد که محصولات تلویزیونی و سینمایی ایران در تاجیکستان از بازار خوبی بهره‌مند باشند. این امر نه تنها از لحاظ اقتصادی ثمربخش است، بلکه از لحاظ تاثیرگذاری فرهنگی نیز نتایج قابل قبولی در بر خواهد داشت.

در مجموع اعزام و تبادل گروه‌های هنری و فرهنگی، برگزاری نشست‌های علمی میان اندیشمندان، برگزاری جشنواره‌های فرهنگی و هنری، انتشار کتب به زبان فارسی و همکاری و انجام پروژه‌های مشترک در زمینه‌های باستانشناسی، مردم‌شناسی و بافت‌های فرهنگی و تاریخی از جمله مهمترین راه‌کارهایی است که می‌توان از آنها به منظور ترویج و پیگیری ژئوکالچرگرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال تاجیکستان بهره برد. در این بین باید توجه داشت که تاجیکستان نسبت به تمام کشورهای آسیای مرکزی از قرابت فرهنگی بیشتری با ایران برخوردار است و به همین سبب نیز دروازه فرهنگی ایران به منطقه محسوب می‌شود. در نتیجه ایران باید توجه ویژه‌ای به ژئوکالچرگرایی در تاجیکستان نماید.

در قبال ترکمنستان نیز ژئوکالچرگرایی ایران باید با تکیه بر تاریخ مشترک و پیوندهای فرهنگی دو طرف صورت گیرد. زیرا ترکمن‌ها قرن‌ها با ایرانی‌ها در یک سرزمین مشترک زیسته‌اند و علایق و مشترکات تاریخی و فرهنگی بسیاری دارند. حتی در گذشته‌های بسیار دور، پادشاهان ترکمن از سلاطین مقتدر ایران بوده‌اند که می‌توان به حکومت سلجوقیان ترکمن اشاره کرد. علاوه بر این، زبان فارسی نیز یکی دیگر از مقوله‌های همکاری فرهنگی بین دو کشور محسوب می‌شود. به نحوی که معمولاً زبان فارسی به عنوان یک زبان خارجی در مدارس ترکمنستان تدریس می‌شود. وجود نسخ خطی کهن از اشعار «مختومقلی» شاعر پرآوازه ترکمن، نشان از اهمیت و ارتباط دیرینه زبان و خط فارسی با ترکمن‌ها دارد.

از این رو تاکید بر تاریخ و فرهنگ مشترک، تاکید بر اشتراکات مذهبی و تمدنی، تقویت زبان فارسی، تبادل هیات‌های مختلف فرهنگی و هنری در جهت تحکیم روابط

فرهنگی و گسترش همکاری‌ها در زمینه جهانگردی می‌توانند در زمره سیاست‌های ایران قرار بگیرند. همچنین وجود جمعیت چشمگیری از ترکمن‌های ساکن در شمال ایران می‌تواند نقش ویژه‌ای در تقویت و تعمیق روابط و همسایگی دوستانه با ترکمنستان داشته باشد. در این راستا تاکید بر چهره‌های فرهنگی مشترک نظیر «مختومقلی فراغی»، «خواجه یوسف همدانی»، «ابوسعید ابوالخیر»، «جارالله زمخشری» و ... از اهمیت زیادی برخوردار است.

در خصوص قزاقستان نیز ایران دارای حوزه‌ها و اشتراکات بسیاری برای پیشبرد ژئوکالچرگرایی است. به خصوص که روابط فرهنگی دو ملت ایران و قزاقستان از ریشه‌های تاریخی عمیقی برخوردار است. از جمله مشترکات فرهنگی ایران و قزاقستان می‌توان به تاریخ مشترک، پیوندهای دینی و وجود لغات مشترک در زبان فارسی و قزاقی اشاره نمود. همچنین پیشینه و فرهنگ دو ملت را می‌توان از طریق دانشمندان و شعرا، مظاهر ملی، آداب و رسوم، زبان و ادبیات دو کشور بررسی و ادراک نمود. به نحوی که بسیاری از دانشمندان و شعرای فارسی زبان از منطقه آسیای مرکزی برخاسته و از سوی دیگر شعرای این منطقه نیز به صراحت در اشعارشان، خود را درس آموخته شعرای بزرگ ایرانی بیان کرده‌اند. در نتیجه ارتباطات عمیقی میان ادبیات قزاقی با ادبیات فارسی وجود دارد.

به طور کلی در گذشته، زبان فارسی در میان دانشمندان، علما و شعرای قزاقستان کاملاً رایج بوده و از آثار ادبیات منظوم و منثور فارسی متأثر شده و از آن بهره‌های فراوان برده‌اند. به عنوان نمونه «آبای» شاعر و مصلح بزرگ قزاقستان به «حافظ» و ادب فارسی عشق وافر داشته است. از این رو تاثیر عمیقی که ادبیات فارسی بر جا گذاشته، موجب شده که حدود 3 هزار لغت از ادبیات فارسی به زبان قزاقی منتقل شود. چنانکه لغاتی نیز از این منطقه وارد زبان فارسی شده است و با توجه به اینکه قزاقی جزء زبان‌های ترکی می‌باشد، لذا تاثیر و وجود لغات ترکی در زبان فارسی قابل توجه است. بنابراین زبان و ادبیات یکی از مشترکات فرهنگی دو ملت ایران و قزاقستان به شمار می‌آید.

علاوه بر این بخش جنوبی قزاقستان در حوزه خوارزم و خراسان تاریخی و بزرگ قرار دارد و منابع عمده فرهنگ و تمدن قزاقستان نیز در این منطقه واقع شده است که قرابت خاصی با فرهنگ ایران دارد. ضمن آنکه بخشی از قزاقستان در حوزه جغرافیایی توران تاریخی قرار دارد و بنابراین داستان‌های اساطیری و ادبیات به ویژه شاهنامه فردوسی بسیار

به حوادث و ماجراهای این سرزمین و مردم آن پرداخته است و به همین علت، یکی از منابع مهم در بازشناسی گذشته کهن قزاق‌ها محسوب می‌شود. همچنین منابع تاریخی متعدد نگاشته شده به زبان فارسی و یا عربی که توسط علمای ایرانی تحریر شده است نیز مرجع مطالعات و پژوهش‌های تاریخی قزاق‌ها محسوب می‌شود که از جمله آنها می‌توان به «تاریخ رشیدی» تألیف «محمد حیدر دولتی» اشاره نمود. (بهمن، 1388: 32)

از سوی دیگر حضور جمعیت‌هایی از ایرانیان در نقاط مختلف قزاقستان و بالعکس جمعیت‌هایی از قزاق‌ها در ایران نیز در حفظ پیوندهای تاریخی و فرهنگی میان دو ملت مؤثر بوده است. به خصوص جاده ابریشم به عنوان جاده‌ای که در طول تاریخ حلقه اتصال فرهنگ‌ها و ملت‌های مختلف بوده، موجب شده که ملت‌های کهن علاوه بر مبادله کالا به عرضه و تبادل فرهنگ و آداب و رسوم و نوعی مبادله فرهنگی و تبادل اطلاعات علمی نیز بپردازند. به عنوان نمونه در میان علما و دانشمندان، «خواجه احمد یسوی» و «ابونصر فارابی» دو شخصیت بزرگ تاریخی مورد توجه هر دو ملت می‌باشند. همچنین حضور فرهنگی ایرانیان را می‌توان در ساختمان‌های به جا مانده از دوران پیش در منطقه مشاهده نمود. به عنوان مثال، حال و هوای مقبره «خواجه احمد یسوی» در شهر ترکستان درست همان حال و هوای مدرسه باغ اصفهان و یا سایر بناهای تاریخی در شهر ایران را دارد. (همان، 33)

در نتیجه با توجه به پیشینه تاریخی و اشتراکات فرهنگی میان مردم ایران و قزاقستان، می‌توان از تأکید بر ریشه‌های تاریخی، تمدنی و فرهنگی، افزایش همکاری‌های علمی و فرهنگی، گسترش همکاری‌های دانشگاهی و همچنین ترویج مظاهر ملی، آداب و رسوم، زبان و ادبیات فارسی، به عنوان مهمترین راه‌کارهای پیشبرد ژئوکالچرگرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران یاد نمود.

ژئوکالچرگرایی ایران در قرقیزستان می‌تواند شامل حوزه‌های فراوانی گردد. به خصوص که مناسبات دوستانه دو ملت ایران و قرقیزستان، دارای سابقه دیرینه و اشتراکات تاریخی و فرهنگی است. نماد مناسبات دو کشور در اساطیر قرقیزی و فارس زبان بودن همسر «ماناس» شخصیت اسطوره‌ای این کشور و سابقه دو ملت در مسیر جاده ابریشم متجلی است. در نزد اقوام مختلف قرقیزستان به ویژه کهنسالان آن، زبان فارسی به عنوان یکی از زبان‌های کهن و تاریخی، دارای نقش و جایگاه ویژه‌ای بوده و از احترام خاصی برخوردار می‌باشد. این شناخت مخصوصاً از طریق آثار شعرای بزرگ این زبان مانند حافظ و



سعدی برای آنان حاصل شده و به‌رغم 70 سال جدایی بین دو ملت، آثار و شواهد وجود چنین ارتباطی هنوز نیز مشهود می‌باشد. با این حال در شرایطی که زبان فارسی می‌تواند به عنوان یک حلقه واسط میان ایران و قرقیزستان به ایفای نقش بپردازد، اما تاکنون به طور شایسته‌ای مورد توجه قرار نگرفته است که این امر یک ضعف جدی به حساب می‌آید. به عنوان نمونه در حالی که منابع موجود زبان فارسی در قرقیزستان نشان می‌دهد که در گذشته‌های بسیار دور زبان فارسی یکی از زبان‌های فرهنگی و علمی مورد استفاده مردم قرقیزستان بوده است با این حال در حال حاضر به آنها اهمیت چندانی داده نمی‌شود.

بر این اساس به منظور پیشبرد ژئوکالچرگرایی ایران در قبال قرقیزستان، گسترش همکاری‌های دانشگاهی میان دو کشور، اعطای بورس‌های تحصیلی و تحقیقاتی، گسترش کلاس‌های آموزش زبان فارسی و تقویت آن در دانشگاه‌های قرقیزستان، همکاری در زمینه ثبت و گردآوری اسناد تاریخی و فرهنگی، برگزاری سمینارهای متعدد علمی و فرهنگی در خصوص مشاهیر فرهنگ و ادب زبان فارسی مانند حافظ، مولوی و فردوسی و... توصیه می‌گردد. به هر حال نباید از یاد برد که کشور ایران از لحاظ تاریخی و فرهنگی برای قرقیزستان اهمیت زیادی دارد.

در قبال ازبکستان نیز سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران برای پیشبرد ژئوکالچرگرایی از اهرم‌ها و ابزارهای بسیار زیادی برخوردار است. بر این اساس به‌رغم آنکه روابط جمهوری ازبکستان با جمهوری اسلامی ایران عموماً به دلیل مسایل و مشکلات ناشی از حساسیت‌ها یا سوءتفاهم‌ها با رکود نسبی همراه بوده است، با این حال ریشه‌های عمیق تاریخی و تمدنی دو کشور چنان با هم در آمیخته و مشترکات فرهنگی آنها به قدری فراوان است که می‌توان ازبکستان را عقبه تاریخ ایران نامید. در واقع همبستگی تاریخی و اشتراکات فرهنگی دو ملت ایران و ازبکستان به حدی است که می‌تواند تمام سوءتفاهم‌های سیاسی بین دو طرف را مرتفع سازد. چنانکه طی سال‌های اخیر، روابط فرهنگی ایران و ازبکستان از رشد و توسعه قابل توجهی برخوردار بوده است. در این بین زمینه‌های مشترکی نظیر زبان فارسی می‌تواند به توسعه و گسترش روابط فرهنگی میان دو کشور منجر گردد. همچنین برگزاری همایش‌های مشترک فرهنگی و هنری نیز می‌تواند زمینه‌های شناخت بیشتر ازبک‌ها از فرهنگ غنی ایران را فراهم سازد. در این راستا باید همکاری بیشتر محققان،

شاعران و ادیبان، خصوصاً ایران‌شناسان آشنا به تمدن آسیای مرکزی و ازبکستان مورد تاکید قرار گیرد.

همچنین تاکید بر زبان و ادبیات فارسی باید به عنوان یکی از مهمترین ابعاد ژئوکالچرگرایی ایران در قبال ازبکستان عمل نماید. زیرا زبان فارسی یکی از نقطه‌های مشترک میان دو ملت ایران و ازبکستان محسوب می‌شود و از یک‌ها با زبان و ادبیات فارسی، آشنایی و قرابت دیرینه‌ای دارند. در واقع ادبیات کلاسیک فارسی در کشور ازبکستان شناخته شده است و ریشه‌های تاریخی کهنی دارد. به نحوی که نخستین کانون ادب فارسی در زمان سامانی‌ها در «بخارا» و «سمرقند» دایر شد. ضمن آنکه آثار بجای مانده از شاعران، ادیبان، علما و دانشمندان ازبکستان به زبان‌های فارسی و ازبکی، کتیبه‌های فارسی سر در ساختمان‌های باستانی شهر تاشکند، سمرقند، بخارا و خیوه نیز بیانگر جایگاه زبان فارسی در فرهنگ و تاریخ گذشته این کشور است.

از این رو باید توجه ویژه‌ای به زبان فارسی در راه گسترش روابط فرهنگی با ازبکستان صورت گیرد. در این راستا تاکید بر چهره‌های مشترک علمی، ادبی و فرهنگی مشترک نظیر «ابوریحان بیرونی»، «بوعلی سینا»، «نظامی گنجوی»، «علی شیر نوایی»، «محمد رودکی سمرقندی»، «امام بخاری»، «حکیم ترمذی»، «خواجه بهاء الدین نقشبند»، «خواجه احمد یسوی»، «عبدالخالق غجدوانی»، «عروضی سمرقندی»، «امام ماتریدی»، «میرزا الغ بیگ» و... به همراه گسترش همکاری با بنیادها و سازمان‌های فرهنگی ازبکستان و کمک به ترجمه و نشر آثار فارسی در این کشور می‌تواند مبنایی برای گسترش روابط فرهنگی محسوب شوند. در مجموع تعمیق اشتراکات فرهنگی و ایجاد زمینه‌های همکاری فرهنگی و هویتی بین دو کشور می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌گیری همکاری فرهنگی و هویتی در کل منطقه شود.

در مجموع منطقه آسیای مرکزی از ظرفیت خوبی برای ارتقاء همکاری‌های منطقه‌ای برخوردار است. این امر به خصوص با وجود منابع طبیعی سرشار، نیروی کار ماهر و بازارهای اشباع نشده، تقویت می‌گردد. همکاری یا همگرایی بازرگانی منطقه‌ای با تقسیم کار، سرمایه‌گذاری خارجی و تمرکز بر تولید محصولی خاص در هر کشور که بتواند کاملاً در منطقه فروخته شود، امکان‌پذیر خواهد بود. سابقه کشورهای نظیر چین، ایرلند و کره جنوبی که طی 20 الی 30 سال گذشته به توسعه اقتصادی رسیده‌اند، نشان می‌دهد که

تمام آنها به نحو موثر و زیادی به تقویت تجارت منطقه‌ای و بین‌المللی خود پرداخته‌اند. از این رو چنانچه کشورهای آسیای مرکزی نیز خواهان دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی باشند، باید همکاری و همگرایی تجارت منطقه‌ای خود را افزایش دهند (1: Special Programme for the Economies of Central Asia (SPECA), 2007). و در این راستا ایران می‌تواند شریکی مطمئن برای کشورهای منطقه محسوب گردد.

### نتیجه‌گیری

جمهوری‌های آسیای مرکزی پس از گذار از یک دوره کوتاه در اوایل دهه نود که توسعه اقتصادی و همچنین ثبات امنیتی و سیاسی خویش را بیشتر در همکاری با قدرت‌های بزرگ و خارج از منطقه دنبال کردند در میانه دهه نود به تقویت همکاری‌های منطقه‌ای و تاسیس نهادهای جدید برای همکاری‌های منطقه‌ای دست زدند. با این حال منطقه‌گرایی در آسیای مرکزی تا سال 2003 از جایگاه مطلوبی برخوردار نشد. از این سال به بعد را می‌توان دوره جدیدی در توجه به منطقه‌گرایی در آسیای مرکزی دانست. بزرگترین ویژگی این دوره را می‌توان نگاه مشترک کشورهای منطقه به برقراری امنیت و ثبات سیاسی و در نتیجه کاهش واگرایی در میان اعضا در قالب عضویت در اتحادیه‌های واگرا و همچنین وجود احساس تهدید مشترک میان کشورهای منطقه محسوب نمود.

در این بین علاوه بر پیوندهای تاریخی و اشتراکات فراوان فرهنگی میان ایران و کشورهای آسیای مرکزی به نظر می‌رسد مباحثی در منطقه وجود دارند که همکاری و همگرایی گسترده‌ی ایران را می‌طلبند. مباحثی همچون انرژی و انتقال آن، ترانزیت کالا، نیازهای متقابل اقتصادی، تندروی اسلامی، قاچاق و فروش مواد مخدر، بحران‌های هویتی و فرهنگی و... از جمله مسائل عمده برای کشورهای منطقه است که ضرورت‌های همکاری و همگرایی بیشتر ایران را آشکار می‌سازد. با این حال در زمینه همگرایی ایران با کشورهای آسیای مرکزی نه می‌توان از یک سیستم فدرال سخن گفت که میان ایران و جمهوری‌های منطقه شکل بگیرد و نه می‌توان بدون حضور و همکاری ایران، امیدی به حل و رفع بسیاری از مشکلات و چالش‌های منطقه‌ای داشت. بر این اساس همگرایی ایران با منطقه می‌تواند در قالب همکاری‌های دوجانبه، چندجانبه و همچنین سازمان‌هایی همچون اکو و شانگهای باشد.

در مجموع ایران کشوری قدرتمند در همسایگی آسیای مرکزی محسوب می‌شود که از یک سو از وابستگی و پیوستگی‌های فرهنگی و اقتصادی لازم با منطقه برخوردار است و از سوی دیگر با دارا بودن موقعیت ژئوپلیتیک ویژه می‌تواند برای کشورهای منطقه یک مسیر ترانزیتی مناسب باشد که از طریق خطوط لوله و شاهراه‌ها به انتقال انرژی و کالاهای منطقه بپردازد. در واقع مسیر ایران، اقتصادی، امن‌ترین و کوتاه‌ترین راه انتقال انرژی و کالا از منطقه به جهان خارج است. علاوه بر این، اقتصاد ایران و آسیای مرکزی به نوعی مکمل یکدیگر نیز محسوب می‌شوند و ظرفیت‌های فراوانی برای رشد آن وجود دارد که جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با پی‌گیری سیاستی مبتنی بر ژئوپلیتیک‌گرایی، ژئواکونومیک‌گرایی و ژئوکالچرگرایی و همچنین تعامل سازنده با کشورهای آسیای مرکزی از ظرفیت‌های منطقه‌ای برای همکاری و همگرایی استفاده نماید.

### منابع و مآخذ

1. "افزایش تولید اورانیوم در قزاقستان"، 4 بهمن 1386، موسسه مطالعات روسیه، آسیای مرکزی و قفقاز (ایراس).
2. بهمن شعب، 1388، "هژمون‌گرایی منطقه‌ای و منافع ملی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران"، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، سال اول، شماره اول، اسفند.
3. بهمن شعب، 1388، "نگاهی به روابط فرهنگی ایران و قزاقستان"، دو ماه نامه تحولات منطقه اوراسیا، شماره 26، آذر و دی.

4. بیگدلی، علیرضا، ۱۳۸۱، "موقعیت ترانزیتی جمهوری اسلامی ایران و کشورهای آسیای مرکزی"، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، شماره ۳۷، بهار
5. خیری، ابوذر، 1385، "پرسش از هویت ملی در ازبکستان (دیدگاه اجتماعی تاریخی)"، خلاصه مقالات سیزدهمین همایش بین‌المللی آسیای مرکزی و قفقاز، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
6. دفتر آمار و فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات، 1389، گمرک جمهوری اسلامی ایران [www.irica.gov.ir](http://www.irica.gov.ir)
7. سنایی، مهدی، 1383، "منابع انرژی محور عمده رقابت و همکاری در آسیای مرکزی، دریای خزر و قفقاز"، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، تهران: دفتر مطالعات سیاسی وزارت امور خارجه، شماره 47، پاییز.
8. سوآپ نفت، "فرصتی ارزشمند برای ایران"، 1385/9/13، خبرگزاری شانا.
9. شرافت، سعید، 1383، "امنیت در آسیای مرکزی"، در کتاب: کشورهای مستقل مشترک‌المنافع: ویژه مسایل امنیتی، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
10. شفاعی، غلامرضا، ۱۳۸۰، "ذخایر انرژی خزر، تکیه‌گاه امنیت"، ابزار توسعه، شماره ۳۵، پائیز.
11. شیرازی، ابوالحسن و مجیدی، محمد رضا، 1382، "سیاست و حکومت در آسیای مرکزی"، تهران: انتشارات قومس
12. کتاب سبز "ازبکستان"، 1387، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه
13. نقیب‌زاده، احمد، 1378، "تاثیر فرهنگ ملی بر سیاست خارجی: مورد جمهوری اسلامی ایران"، فصلنامه سیاست خارجی، شماره سوم، سال سیزدهم، پاییز.
14. Allison. Roy and Jonson. Lena (eds.), 2001, "**Central Asian Security: The New International Context**", London: The Royal Institute of International Affairs
15. Anand. Vinod, 2006, "**Politico-Military Developments in Central Asia and Emerging Strategic Equations, China and Eurasia Forum Quarterly**", Volume 4, No. 4
16. Brzezinski. Zbigniew, 1997, "**The Grand Chessboard: American Primacy and Its Geostrategic Imperatives**", New York: Basic Books

17. Faye. Michael, McArthur. John, Sachs. Jeffrey and Snow. Thoms, 2004, "**The Challenges Facing Landlocked Developing Countries**", Journal of Human Development, Vol.5, No.1, March
18. Linke. Peter and Naumkin. Vitaly, 2009, "**The Years That Changed Central Asia**", The Center for Strategic & Political Studies Institute of Oriental Studies, Russian Academy of Sciences, Moscow, Russia.
19. Main Macroeconomic Indicators of Kazakhstan, 2010, "**Interstate Statistical Committee of the CIS**" ,(www.cisstat.com)
20. Otsuka. Shigeru, 2001, "**Central Asia's Rail Network And The Eurasian Land Bridge, Japan Railway & Transport Review**", No 28, September
21. Rasizade. Alice, 2002, The Specter of a New Great Game in Central Asia, Foreign Service Journal, November
22. Special Programme for the Economies of Central Asia (SPECA), 2007, "**Regional Trade Integration in Central Asia: The Way to Modernize, Attract Investment and New Technologies**", Second session of the Project Working Group on Trade. Berlin, Germany, 12 November.